



Balkh International Journal of Social Science

ISSN – P 0000 -0000 E: 0000- 0000

Vol.1 NO.1 2025

URL: <https://bjss.ba.edu.af/index.php/bjss>

تحلیل تقابل واژه‌های دوگانه و وارونگی آن در دیوان خوشحال خان ختک

Analysis of binary Oppositions and Their Inversion in the Diwan of Khushhal Khan Khattak

1. Zabiullah Sahib¹ 

Ph. D, Senior Teaching Assistant, Faculty of Language and Literature, Balkh University

2. Matiuallah Rohyal

Assistant Professor, Faculty of Language and Literature, kandahar University

Received: 24/6/2025 Accepted: 31/10/2025 Published: 04/12/2025

Abstract

This article examines binary oppositions and the inversion of oppositions in the Diwan of Khushhal Khan. Inversion is a form of deconstruction, a contemporary analytical method that has gained prominence and has roots in post-structuralism linguistics. Conversely, binary oppositions represent a fundamental aspect of structuralism thought, which was critiqued by Derrida. The central question of this research is how word oppositions and their inversions manifest in the Diwan of Khushhal Khan Khattak. Since inversion is fundamentally deconstruction, this study briefly addresses binary oppositions and analyzes the relevant data through a deconstructive approach. This research is analytical-descriptive. Its data have been collected from the Diwan of Khushhal Khan Khattak using a library-based methodology. The data have been analyzed qualitatively. The aim of this research is to explore the nature of oppositions and the inversion of binary oppositions in the Diwan of Khushal Khan. Consequently, this research reveals that the hierarchy of binary oppositions or the inversion of these

¹. Email: Zasahib1983@gmail.com

opposition's changes based on political, social, and religious thoughts. This inversion in Khushhal's poetry serves as a window into understanding his beliefs and ideologies.

Keywords: binary oppositions, Khushhal Khan, Derrida, deconstruction, inversion.

چکیده

این مقاله به تقابل‌های دوگانه یا ترتیب بیان گروه‌های هم‌پایه و وارونگی تقابل‌ها در دیوان خوشحال خان می‌پردازد. وارونگی در حقیقت همان ساختارشکنی است و ساختارشکنی یکی از روش‌های تحلیل معاصر اند که به اوج شکوفایی رسیده و ریشه‌ی آن را می‌توان در زبان‌شناسی پساساختارگرایی جست‌وجو کرد؛ از جانب دیگر تقابل‌های دوگانه، بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین تفکر ساختارگرا است که توسط دریدا مورد انتقاد قرار گرفت. این که تقابل‌واژه‌ها و وارونگی آن در دیوان خوشحال خان ختک چگونه است؟ مسئله‌ی این تحقیق به حساب می‌آید. چون وارونگی در اصل ساختارشکنی است، پس این تحقیق با یک نگاهی کوتاه به تقابل‌های دوگانه پرداخته و داده‌های مورد نظر را با روش ساختارشکنی تحلیل کرده است. از آن جاییکه این تحقیق تحلیلی-توصیفی است و داده‌های آن از دیوان خوشحال خان ختک جمع‌آوری شده‌اند؛ بنابراین روش این تحقیق کتاب‌خانه‌ای است و داده‌های آن به صورت کیفی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. هدف این تحقیق چگونگی تقابل‌ها و وارونگی تقابل‌های دوگانه در دیوان خوشحال خان است؛ بنابراین نگارندگان بعد از تحلیل داده‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که سلسله مراتب تقابل دوگانه یا وارونگی تقابل‌واژه‌های دوگانه بر اساس افکار سیاسی، اجتماعی و مذهبی تغییر می‌کنند که همین وارونگی در اشعار خوشحال، دریچه‌ای است بسوی شناخت افکار و باورهای خوشحال خان ختک.

کلمات کلیدی: تقابل دوگانه، خوشحال خان، دریدا، ساختارشکنی، وارونگی

۱. مقدمه

بر اساس این تحقیق، تاکنون تقابل واژه‌ها و وارونگی آن در آثار شاعران زبان پشتو بررسی نشده، به ویژه در آثار شاعر معروف زبان پشتو، خوشحال خان ختک؛ بنا براین بررسی این بُعد برای درک و دریافت بهتری از افکار خوشحال خان ختک مفید است. بررسی اشعار خوشحال خان ختک نشان می‌دهد که برخی از افکارش در چارچوب وارونگی تقابل واژه‌های دوگانه ارائه شده‌اند. تقابل دوگانه در دیوان‌های شاعران دیگر به چشم می‌خورد؛ دیوان خوشحال خان نیز از این امر مستثنی نیست، برخی کوچکی از اشعار خوشحال خان ختک حاوی ویژگی تقابل دوگانه‌اند، بخشی دیگری از اشعار وی به وارونگی تقابل دوگانه آراسته شده است. تقابل‌های دوگانه و وارونگی تقابل‌ها ریشه و مسیر فکری خوشحال خان را تعیین می‌کند و از این طریق می‌توان به عمق افکار و رمز و راز اندیشه‌های وی دست یافت.

باید گفت که تقابل‌های دوگانه در دیوان خوشحال خان ختک نسبت به شعرای دیگر کم بوده و از طرف دیگر وارونگی تقابل دوگانه آتقندر نیست که از هر فرم شعری وی انتخاب می‌شد؛ بنابراین، ضرورت بر این شد که حد اقل نصف دیوان خوشحال خان مرور و از آغاز دیوان تا صفحه‌ی ۵۰۰ واژه‌های مرتبط انتخاب شود؛ چون تقابل دوگانه انواع و اقسامی دارند، بنابر این موضوع مقاله در قدم نخست به دو بخش تقسیم شده، تقابل واژه‌های دوگانه و وارونگی تقابل‌های دوگانه. در قدم دوم، بخش اول آن به بخش‌های فرعی تقسیم‌بندی شده و هر یک آن تحت عناوین کوچک بررسی شده است.

ایده اصلی تئوری تقابل دوگانه به فلسفه دوگانه گرایی، مانند چارچوب عرفانی ینگ/یانگ^۲ و دوگانه گرایی^۳ ارسطو در یونان باستان برمی‌گردد (Marcel Danesi, 2009). به نظر می‌رسد که در یونان باستان افلاطون به دو جهان باورمند بود، بنا براین وی نخستین فیلسوفی است که فلسفه‌ی خود را بر محور تقابل‌های دوگانه استوار کرد. پس افلاطون کسی است که برای اولین بار تقابل دوگانه را مطرح نموده و به مدت طولانی فلسفه‌ی غرب تحت پوشش آن قرار گرفت. در قرن شانزدهم میلادی، دوگانه-گرایی به فلسفه رادیکال دکارتی راه یافت، فلسفه‌ی که ادعا می‌کرد که ذهن و بدن حوزه‌های جداگانه‌اند و ارتباط ذهن و بدن را مورد توجه قرار می‌داد (Marcel Danesi, 2009).

در آغاز قرن بیستم زبان شناس معروف جهان غرب و بنیان‌گذار ساخت‌گرایی^۴ اروپایی، فردینان دو سوسور^۵ (۱۹۱۶) ایده تفاوت را مطرح کرد و تقابل دوگانه توجه وی را جلب کرد که همین نظریات سوسور سبب شد که در مکتب پراگ، یاکوبسن نظریه‌ی تقابل دوگانه را اساس نظریات خود قرار داد

^۲ ying/yang^۳ dualism^۴ Structuralism^۵ Ferdinand de Saussure

(Marcel Danesi, 2009). نظریه‌ی تقابل‌های دوگانه تا ظهور رویکرد فلسفی پساساختارگرایی^۶ در غرب یک رویکرد غالب در نظام‌های فلسفی غرب محسوب می‌شود تا آن‌که دریدا رویکرد ساختار شکنی را در مقابل منطق تقابل‌های دوگانه مطرح کرد. دریدا باور داشت که اندیشه‌ی غربی در دو قطب، نیک/بد، هستی/نیستی، حضور/غیاب، مرد/زن، جسم/روح، گفتار/نوشتار سامان یافته؛ این قطب‌ها هیچ‌گاه هویت مستقل ندارد و یکی از این قطب‌ها به گونه‌ی منفی، مسخ شده است که در چنین چارچوب غیاب فقدان حضور، بد فقدان نیک، نادرست فقدان درست و... است و از طرف دیگر قطب‌های دوگانه صرفاً به لحاظ معنایی در مقابل یکدیگر نیستند، بلکه آن‌ها در نظامی سلسله مراتبی قرار گرفته‌اند که در آن همیشه اولی بر دومی اولیت دارد (ابدالی، فرهاد و نجومیان، امیر علی، ۱۳۹۲، ص. ۳۰-۹). استراوس با تأثیر پذیری از یاکوبسن، تقابل دوگانه را مهم‌ترین کارکرد ذهن جمعی بشر می‌داند، به نظر وی نیاکان و اجداد ما چون از دانش کافی برخوردار نبودند، برای درک و شناخت جهان پیرامون خود دست به خلق تقابل‌های دوگانه می‌زدند؛ از این رو ساختار تفکر انسان بر روی تقابل‌های دوگانه‌ی مثل خوب/بد، مقدس/غیر مقدس و... بنا شده است. استراوس که با تقابل‌واژه‌ها آشنا شده بود، سبب شد که ساختارگران دیگر نیز با مفاهیم تقابل آشنا شده و در نظریات خود از آن استفاده کنند؛ حتی رولان بارت می‌گوید که اساسی‌ترین مفهوم ساختارگرایی تقابل‌های دوگانه‌اند (عبیدی نیا، محمد امیر و میلان، علی دلانی، ۱۳۸۸، صص. ۴۲-۲۵).

خلاصه این که در مورد تقابل‌های دوگانه مقاله‌های متعددی به زبان فارسی به چاپ رسیده‌اند؛ ولی تا اکنون در مورد تقابل‌های دوگانه و وارونگی تقابل دوگانه در دیوان خوشحال خان هیچ اثر نوشته نشده است، نه در زبان فارسی و نه در زبان پشتو. آثار متعددی که به زبان فارسی چاپ شده، داده‌های زبان فارسی را بررسی کرده، به سخن دیگر داده‌های تحقیق زبان فارسی بوده. نویسندگان این مقاله آثاری را که مطالعه کرده‌اند، به عنوان نمونه‌ای از تحقیق‌ها نام می‌برند.

نخستین مقاله‌ای که در این بخش مطالعه شد، عبارت است از: «بررسی تقابل‌های دوگانه در غزل‌های حافظ»؛ نویسنده این مقاله تحت عناوین مختلف به تقابل‌های معنایی و فکری، مانند تقابل زهد، صوفی‌گری و تزویر پرداخته است؛ همچنان تقابل‌واژه‌های همچو خرقه/شراب، سماع و عطر/نغمه رباب، خرقه/می‌آلود، سلطان/گدا، فانی/باقی و غیر را می‌کاود و به زوج‌های واژگانی و لفظی متقابل می‌پردازد، مانند، آسان/مشکل، سوخت/خام، دراز/کوتا، پیر/جوان، ازل/ابد و غیره می‌پردازد (نبی‌لو، علیرضا، ۱۳۹۲، صص. ۹۱-۶۹).

مقاله‌ی دیگری تحت نام «تقابل‌های دوگانه و کارکردهای معنایی آن در قصاید ناصر خسرو» است؛ نویسنده این مقاله می‌نویسد که ناصر خسرو اغلب از این تقابل‌ها در جهت مفاخره، تبلیغ دین اسماعیلیه (باطنیه)، پند و اندرز و نیز انتقاد از روزگار و مردمان هم‌عصر خود بهره برده است. کارهای دیگری که

⁶ Post structuralism

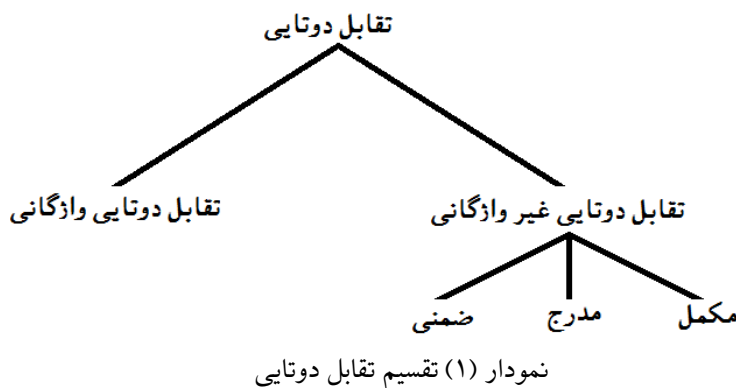
در این عرصه صورت گرفته است: تحلیل تقابل‌ها و تضادهای واژگانی در شعر سنایی (چهری و هم-کاران، ۱۳۹۲، صص. ۱۵۸-۱۴۱)؛ تقابل‌های دوگانه در شعر احمد رضا احمدی (طالبیان و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۱-۳۴)، بررسی نشانه شناختی عناصر متقابل در تصویر پردازی اشعار مولانا (حیاتی، ۱۳۸۸: ۲۴-۷)؛ بررسی تقال‌ها دوگانه در ساختار حدیقه سنایی (عبیدی نیا، و دلانی میلان، ۱۳۸۸، صص. ۲۵-۴۲) و... علاوه از مقالات که در مورد تقابل‌های دوگانه نگاشته شده‌اند و نویسندگان این مقاله به آن دسترسی پیدا کرده‌اند، مقاله‌ی تحت عنوان «خود واسازی تقابل دوگانه حافظ/زاهد در غزلیات حافظ» است (ابدالی و نجومیان، ۱۳۹۲، صص. ۳۰-۹).

شایان ذکر است که مقالات فوق‌الذکر اصطلاح تقابل را مورد بررسی قرار داده‌اند و تقابل‌واژه‌ها را به انواع مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند. مقالاتی که در چاقوب دریدایی، داده‌ها را بررسی کرده‌اند، مقاله‌ی «خود واسازی تقابل دوگانه حافظ/زاهد در غزلیات حافظ» است. در جریان تحقیق، نویسندگان سعی و تلاش کردند که داده‌های تحقیق را با در نظرداشت شیوه و روشی که در مقالات فارسی به کار برده شده از آن استفاده کنند.

اول‌تر از همه، برخی از آثار و نوشته‌هایی که در مورد تقابل دوگانه و وارونگی تقابل‌های دوگانه نوشته شده بود، مطالعه شد. بعد از آن، داده‌ها بر اساس تحقیق کتابخانه‌ای از دیوان خوشحال خان جمع‌آوری و به شیوه‌ی تحلیلی-توصیفی است، توصیف شده‌اند.

۲. مواد یا بدنه اصلی تحقیق

در این بخش به بررسی انواع تقابل‌واژه‌های دوگانه، وارونگی تقابل‌های دوگانه و ساختارشنکی پرداخته می‌شود و هر کدام آن تحت عناوین فرعی تحلیل می‌شود. در نخست تقابل‌های دوگانه به دو نوع تقسیم‌بندی شده که هر یکی آن ذیل عناوین جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است، همچنان وارونگی تقابل‌های دوگانه تحت عنوان جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است.



۲،۱ الف: تقابل دوتایی غیر واژگانی

تقابل دوتایی غیر واژگانی به انواع ذیل تقسیم‌بندی شده است:

۲،۱،۱ تقابل مکمل

تقابل مکمل یکی از انواع تقابل دوتایی‌اند که واژه‌ها در بین خود از لحاظ معنایی، تضاد مکمل داشته باشند، ولی برخی به این باور اند که تضاد معنایی ممکن ثابت نباشد، مثلاً ممکن معنا انفرادی باشد، مثلاً در آهنگ «If I were a rich man» واژه‌ی «rich»، برای دونالد ترمپ یک معنا ولی برای کسی که وزن بیشتر دارد، معنایش متفاوت است، نمونه‌های تقابل مکمل عبارت است از، زن/مرد، زنده/مرده، حق/باطل، شب/روز و غیره. (Denham, Kristin and Lobeck, Anne: 302). خوشحال ختک نیز در اشعار خود از این نوع تقابل استفاده کرده است و وضعیت عصر خود را در یک بیت چنین به تصویر می‌کشد.

رشوتونه یې قبول کړل

په تلاش د روز و شب (خوشحال، ۱۳۹۵، ص. ۳۱۳).

در بیت فوق، خوشحال خان وضعیت سیاسی و اجتماعی حکومت مغل را به تصویر کشیده است؛ چون در آن عصر حاکمان رشوه می‌گرفتند، بین مردم عام و حکومت فاصله ایجاد شده بود، حکومت مغل بخاطر تقویت حکومت خود به افغان‌های با رسوخ و با نفوذ پیشنهاد رشوه و منصب می‌کرد، تا از این طریق حکومت خود را حفظ کند (جدران، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۰).

۲،۱،۲ تقابل مدرج

واژه‌های که از لحاظ کیفیت قابلیت درجه‌بندی دارند، آن را متضاد رتبی نیز گویند، مانند «هلک‌الوی» (بزرگ‌اکوچک) و... لودین، ۱۳۵۵، ص. ۱۰۰) خوشحال خان نیز وضعیت زندگی خود را در زندان مغول چنین به تصویر می‌کشد:

لوی هلیک مې نندارې لره رادرومي

د هندو، د مسلمان ناره وای وای ده

په جفا د وفا قدر څرگندېږي

د خوږو قدر به نه ځي، چې ترخه شته

په بدخوی کې سپری بد، په ښه خوی ښه شي

سرشته د خلکو دا ده، چې بد ښه شته

چې خبرې د پستی، د بلندی شي

په لویی لکه اسمان، په پستی خاک (خوشحال خان، ۱۳۹۵، صص. ۳۰۱، ۴۷۶، ۵۰۶)

۲،۱،۳ تقابل ضمنی

تقابل ضمنی آن است که معنی واژه‌ها در تقابل باشد؛ مانند مرد/نامرد، خوشحال خان چنین می‌گوید:

علم تا بیایی په پورته، جهل تا بیایی په ښکته
یا عیسی لره وردرومه، یا قارون ته ځان سپاره (خوشحال خان، ۱۳۹۵، ص. ۵۱۲)
به همین ترتیب، خوشحال خان می‌فرماید:
تورې پیرې سره وصل ناداني وي
سپینې پیرې سره وصله دانايي ده (خوشحال خان، ۱۳۹۵، ص. ۵۱۰)

۲،۲ ب: تقابل دوتایی واژگانی

شاخه‌ی دیگری از تقابل دوتایی بر حسب تکواژهای اثبات و نفی تحقق می‌یابد و می‌توان جفت‌های متقابل را مانند «آگاه/ناآگاه»، «باشعور/بی‌شعور» بسازد (صفوی، ۱۳۸۴، ص. ۳۶). خوشحال خان هم از این نوع تقابل واژه‌ها استفاده کرده، مانند:

نامرد فخر په نسب کا
مرد نه مور له لري نه پلار
حقیقت راته څرگند شو د هرچا
باور نشته په اشنا په نااشنا
د هرچا نه چې دې تمه د وفا وي
هم هغه درته ښکاره شي بې وفا
چې دا دومره ناخلف واړه خلف وای
نن به ما نوبت وهه د خسروانو (خوشحال خان، ۱۳۹۵، صص. ۱۷۷، ۲۲۴، ۴۸۰)

۳. وارونگی تقابل‌واژه‌های دوگانه

تقابل‌های دوگانه در پسا ساختارگرایی نقش اساسی ایفا کرد و از مفاهیم کلیدی این نظریه محسوب می‌شود؛ البته با این تفاوت که با نگاهی انتقادی به آن نگریسته‌اند. ژاک دریدا^۷ (متولد ۱۳۳۰م) در مفهوم تقابل‌های دوگانه تحول بنیادی پدید آورده است، به نظر دریدا اندیشه‌های فلسفی علمی و زیر بنای تفکر غرب در زندان دو قطبی قرار دارند و بر اساس محور تقابل‌های دوگانه می‌چرخند: بدی در برابر نیکی، نیستی در برابر هستی، غیاب در برابر حضور، دروغ در برابر حقیقت، نوشتار در برابر گفتار و... که همیشه یکی بر دیگری برتری داشته است به نظر وی در اساس هر متنی این تقابل‌های دوگانه وجود دارند، در بعضی از متون عناصری چون خوبی، راستی و... در مرکز قرار دارند اما در بعضی از

⁷ Jacques Derrida

متون در حاشیه قراردارند؛ این تقابل‌های دوگانه در هر متنی دچار واژگونی می‌شوند و از برتری نقش‌های یکدیگر می‌کاهند، که اصولاً دریدا در ساختار شکنی خود به واژگونه کردن سلسله مراتب در تقابل‌های دوگانه معتقد است. دریدا، قواعدی را که ساختارگرایان مطرح کرده بودند، مورد انتقاد قرار داد؛ مثلاً، دریدا با دیدگاه ساختار شکنی خود برخلاف تقابل «گفتار-نوشتار» می‌ایستد و مرکزیت را برهم می‌زند و برای برهم زدن مرکزیت دلایلی دارد که در جدول (۱) ارائه می‌شود (Mary Klages, 2006, p.59).

جدول (۱) سلسله مراتب در تقابل‌های دوگانه

شماره	ممتاز ^۸	نامممتاز ^۹
۱	مرکز	حاشیه
۲	صدق	دروغ
۳	روح	بدن
۴	ذهن	بدن
۵	لغت ^{۱۰} (معنای درونی)	کلمه ^{۱۱} (لغت‌ها)
۶	فکر درونی (هدف)	*گفتار پرونی (بیان)
۷	*گفتار	نوشتار

در جدول فوق می‌بینیم که «گفتار» از جایگاه خود به سمت راست حرکت کرده و جانشین واژه‌ی شده که قبلاً ممتاز بوده، یعنی وقتی واژه‌ها از سمت راست به طرف چپ حرکت می‌کنند ارزش و اهمیت‌شان کاسته می‌شود، یک واژه نزول و واژه‌ی دگر صعود می‌کند که این موضوع به سخن ساده‌ترش در جدول (۲) ذیل ارائه می‌شود:

جدول (۲) حرکت واژه‌ها از یک سمت به سوی سمت دیگر

ممتاز	نامممتاز
معنا	*لفظ
*لفظ	نوشتار

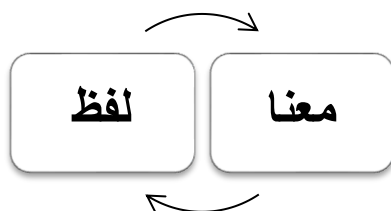
به همین ترتیب معنا و لفظ ثابت و استوار نیست و همواره در جایگاه‌های یک‌دیگر جابجا می‌شوند، که حرکت آن‌ها در نمودار (۲) زیر ترسیم شده است:

⁸ Privileged

⁹ unprivileged

¹⁰ logos

¹¹ logoi



نمودار (۲) حرکت از مرکز به حاشیه و از حاشیه به مرکز

مثال‌های وارونگی فوق الذکر جهت ورود به موضوع وارونگی تقابل‌های دوگانه در دیوان خوشحال خان ختک مورد بررسی قرار گرفت. وارونگی تقابل‌های دوگانه در دیوان خوشحال خان به طور ذیل ارائه می‌شوند:

۳،۱ وارونگی «plār/mor» (پدر/مادر)

در دین مبین اسلام اسم‌ها و پدیده‌ها بر اساس ارزش و برتریت خود مقدم و متأخر پنداشته می‌شوند، که کلمه‌ی طیبه بهترین مثال آن است که در آن «الله» به «رسول» مقدم است؛ همین‌طور در دین، مرد نسبت به زن برتریت^{۱۲} دارد. اما در برخی متون کلاسیک زبان پشتو «پدر» مقدم بوده؛ ولی اگر به ساختار کنونی زبان پشتو دیده شود، «مادر» مقدم و «پدر» متأخر است؛ بنابراین در اشعار خوشحال خان وارونگی صورت گرفته است، گاهی «مادر» و گاهی «پدر» مقدم شده است.

باید گفت که در اشعار خوشحال خان دیده شده که تقابل‌های دوگانه، وارونه شده، واژه‌ها به جای یک‌دیگر جابجا شده‌اند، این جابجایی با رویکرد ساختارشکنی بررسی می‌شود، که چقدر این سلسله مراتب وارونه شده است. خوشحال خان ختک در برخی از بیت‌های خود پدر را مقدم و مادر را متأخر «plār/mor» (پدر/مادر) ساخته است، چند بیت به طور نمونه ارائه می‌شود:

بختور يي هغه پلار، هغه يي مور وي

چې له موره نه فرزند زېري ثبوت (خوشحال خان، ۱۳۹۵، ص. ۱۹۷)

در بیت فوق ساختار تقابل دوگانه برعکس «mor / plār» (مادر/پدر) شده است، مادر مقدم و

پدر متأخر شده است، بیت‌های ذیل را ببینید:

چې مور پلار خني آزار شه هغه عاق

د عاق زويه خای دوزخ په اتفاق (خوشحال خان، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۳۰)

ښه لایق زويه مور پلار په ښکې یاد کا

نالایق د پلار آزار د مور پېغور وي (خوشحال خان، ۱۳۹۵، ص. ۹۷۱)

به نظر نویسندگان، به مرور زمان تقابل‌های دوگانه ممکن و متأخر شوند و یا این که ممکن بخاطر هدف خاص این جابجایی صورت گیرد و یا به طور غیرارادی وارونگی صورت گیرد. وارونگی تقابل‌های دوگانه در نمودار (۳) ترسیم می‌شود:



نمودار (۳) تقابل دوگانه

۳،۲ وارونگی «wraz/špa» (روز / شب)

در دیوان خوشحال خان بیشترین بسامد مربوط به تقابل دوگانه «wraz-o-špa» (روز و شب) بوده، که در برخی از ابیات، این واژه‌ها برعکس (špa-o-wraz) شده است. در فرهنگ افغانستان «روز» نسبت به «شب» برتریت دارد، شاید به همین دلیل روز در جایگاه آغازین آورده شده است؛ ولی در برخی از ابیات، «شب» آغازین بوده است. به نظر نویسندگان در دین مبین اسلام «شب» اصل است و روز فرع، شاید به همین سبب تغییر کرده باشد؛ ولی در دیوان خوشحال خان این تقابل دوگانه همواره در حال وارونگی است، روز در اشعار خوشحال خان معمولاً مقدم است و شب متأخر است. شعرای دیگری عصر خوشحال خان نیز تقابل دوگانه «wraz/špa» (روز / شب) را برعکس نوشته اند، یعنی شب مقدم و روز متأخر نوشته شده است، به نظر من خوشحال خان که در دربار شاه جهان، صاحب منصب بود و از جاه و جلال ویژه برخوردار بود؛ در عصر اورنگزیب، جاه و جلال خود را از دست می‌دهد و توسط شاه آن عصر به زندان می‌رود؛ بنابراین مورخان و محققان اشعار خوشحال خان را به دو دوره تقسیم کرده‌اند: اشعاری که پیش از زندان سروده شده‌اند و اشعار که بعد از زندان سروده شده‌اند؛ چون عصر جوانی‌اش از هر لحاظ عصر شأن و شوکت بود، او جوان بود و منصب داشت. برعکس در پیری هر چیزی خود را از دست می‌دهد، شاید به همین دلیل خوشحال خان روز را مقدم و شب را متأخر کرده باشد. بیت‌های ذیل را ببینید:

د روانو اوبو کار، د عمر یو دی

بیا به ورځ و شپې را نه شي د نړۍ

د غفلت تسبیح په ورځ و شپه چار باسي

خو محنت به یې په کرام الکاتبین ږدي

د بنادۍ په امید اوسي په غم کې

تل په شپه پسې را درومي ورځ پیوسته

له تانه چې جدا شم په ناکام په ورځ او شپه
 نه خوب، نه مې خوراک، نه مې آرام په ورځ و شپه (خوشحال خان، ۱۳۹۵، صص. ۴۴۷، ۴۶۰، ۷۱۰)

در بیت‌های ذیل ساختار تقابل‌های دوگانه «wraz/ fpa» (روز/ شب) برعکس شده است، یعنی وارونگی صورت گرفته است:

شپه او ورځ دې پسې ژاړي، یار دې غواړي
 که مین وي، په رښتیا ځان دې ملنگ کا
 ورځ او شپه په لار روانې قافلې دي
 نېک او بد دي قافلې په لاره تلل کا
 تېر ساعت به دې د عمر بیا رانه شي

ورځ او شپه کې په څار څار ورپسې ژاړي (خوشحال خان، ۱۳۹۵، صص. ۱۵۱، ۱۶۲، ۷۴۳)
 اگر زندان را نقطه‌ی عطف زندگی خوشحال خان بدانیم، پس در تقابل دوگانه «روز/شب»، روز، عصر شاه‌جهان است، خوشحال خان شأ و شوکت داشت و شب، عصر اورنگزیب است، چون خوشحال خان در زندان بود، بعد از زندان همواره با مغول‌ها در جنگ بود. خوشحال خان آن دو عصر را در دو بیت چنین به تصویر می‌کشد:

قسمت څه کانې را وکړې
 نداره د درست جهان شوم
 نه گناه نه مې تقصیر و
 د بادشاه په بند زندان شوم
 عالمگیر چې په تخت کښېناست

له قرانه په قران شوم (خوشحال خان، ۱۳۹۵، ص. ۴۷۸)

خوشحال خان خټک در بیت‌های فوق، واژه‌ای «قرآن» را دو بار به‌کار برده است، که به ترتیب به معنای عصر خوش‌بختی و عصر بدبختی است. واژه‌ای «قران» در آثار دیگر با واژه‌ای «صاحب» یکجا به‌کار برده شده؛ مثلاً به نظر محققان از ترکیبات جالب «صاحب»، ترکیب «صاحب قران» است و آن به کسی اطلاق می‌شد که زمان او مصادف با قران و نزدیکی دو ستاره سعد می‌بود یا به هنگام انعقاد نطفه یا تولد او قرانی در سیارات صورت می‌گرفت نیز قران زحل و مشتری و اتساعا اطلاق می‌شد، همچنان به پادشاه بزرگ و به کسی که در عصر خود نسبت به امثال و اقربا خود امتیاز و تفوق داشته باشد، گفته می‌شد؛ از جمله شاهان گذشته که لقب صاحب‌قران داشتند (جاوید، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۷). چون خوشحال خان در عصر شاه‌جهان امتیاز و تفوق داشت و در عصر اورنگزیب تمام امتیازات خود را از دست می‌دهد، ممکن وی روز را به همین دلیل بر شب مقدم کرده باشد، مثال دیگری که ادعای نویسندگان

را تقویت می‌بخشد این است که خوشحال خان ختک؛ حتی در اشعار فارسی خود نیز این تقابل دوگانه «شب/روز» را وارونه می‌سازد، گاهی شب و گاهی روز را مقدم می‌کند، به طور نمونه:

با رخ و زلف او سر و کارم

در شب و روز روزگار بود

روز و شب در غم او خون ز مژه می‌رانم

حالت دیده خونبار نمی‌داند حیف (خوشحال خان، ۱۳۹۵، صص. ۹۹۲، ۹۹۵)

۳،۳ تقابل دوگانه «laylā/majnun» (لیلی/مجنون)

خوشحال خان ختک نه تنها تقابل‌های دوگانه‌ی، روز/شب، مادر/پدر و غیره را وارونه می‌سازد، بلکه این سبک خوشحال خان است که از طریق وارونگی تقابل‌های دوگانه، تفاوت بین عاشق و معشوق را از بین می‌برد، گاهی لیلی را مقدم و مجنون را متأخر می‌سازد و گاهی برعکس؛ بطور مثال بیت‌های ذیل را نگاه کنید:

خبری د مجنون او د لیلای لری زری شوې

زما او ستا خبرې تازه، نوی حکایت دی

د لیلای د مخ خو ډېره زیبایی ده

د مجنون ورپسې هومره رسوایی ده

زه او ته په دا دور تر دواړو نه افضل یو

څه حیران مجنون و، څه لیلای خواره خسته

له لیلای نه نور ډېده د مجنون مینه

چې می زړه له یاره نه شي خلک زور کا (خوشحال خان، ۱۳۹۵، صص. ۱۴۴، ۴۵۳، ۵۱۱، ۱۰۰۴)
بیت ذیل گواه بر این است که بازی با تقابل‌های دوگانه سبک خوشحال خان است. بیت زیر را نگاه کنید:

د چا زړه لکه بگرام، د چا کابل وي

د یوه نصیب سیرما، د بل گریما (خوشحال خان، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۴)

۴. یافته‌ها

خوشحال خان ختک از طریق بازی با تقابل‌واژه‌ها و وارونه سازی تقابل دوگانه می‌خواست بگوید که هیچ چیز ثابت و استوار نیست، گاهی شب گاهی روز؛ گاهی سیرما گاهی گریما و... تقابل‌واژه‌های دوگانه‌ی که در دیوان خوشحال خان به نظر رسیده‌اند، اکثریت آن‌ها با واژه‌های زبان فارسی ریشه‌ی مشترک دارند، چون اکثریت آن با عین صورت و معنا در زبان پشتو استفاده شده، مانند، قارون/اگدا، شاه/اگدا، دولت/فقر، جوانی/پیری، صبح/شام، درد/درمان. بعضی از تقابل‌واژه‌های دوگانه که در دیوان خوشحال خان دیده شده، به عنوان نمونه در جدول ذیل ارائه می‌شوند:

جدول (۳) تقابل واژه‌های دوگانه در دیوان خوشحال خان

«rwaz/ʃpa» (روز/شب)	«zαhər/bātən» (ظاهر/باطن)
«ʃpa / rwaz» (شب/روز)	«wafα/jafα» (وفا/جفا)
«lailα/majnun» (لیلی/مجنون)	«tor/spin» (سیاه/سفید)
«majnun / lailā» (مجنون/لیلی)	«sarmα/garmα» (سرما/گرما)
«plār/mor» (پدر/مادر)	«ʔalα/ʔadnα» «علی/دانا
«mor/plār» (مادر/پدر)	«rɪʃtɪā/droʋ» (راست/دروغ)
«musulmān/kāfər» (مسلمان/کافر)	«shə/bad» (خوب/بد)
«mərʔ/zwandai» (مرد/زننده)	«ʔārām/nāārām» «آرام/ناآرام
«loy/halək» (بزرگ/کوچک)	«fareʃta/haiwαn» «فرشته/حیوان
«xandā/zaṛā» (خنده/گریه)	«dak/xαli» (پر/خالی)
«nek/bad» (نیک/بد)	«zməka/asmαn» (زمکه/آسمان)
«xair/ʃar» (خیر/شر)	«pαk/nāpāk» (پاک/ناپاک)
«nek zāt/bad zāt» (نیک ذات/بد ذات)	«pasti/belandi» (پستی/بلندی)
«mard/nāmard» (مرد/نامرد)	«zwənd/marg» (زندگی/مرگ)
«nāmard / mard» (نامرد / مرد)	«dαnα/nαdαn» (دانا/نادان)
«shə xuy/bad xuy» (خوی خوب/خوی بد)	«porta/shkata» (پورته/نبکته)
«nər/shəza» (زن/مرد)	«zwani/piri» (جوانی/پیری)

۵. مناقشه

بررسی این تحقیق نشان می‌دهد که نسبت به شاعران زبان فارسی تقابل واژه‌ها در دیوان خوشحال خان ختک کمتر استفاده شده است؛ از جانب دیگر زبان پشتو ریشه‌ی مشترک با زبان فارسی دارد، اکثریت واژه‌ها با عین صورت و معنا استفاده شده‌اند، بنابر این، داده‌های این تحقیق تا حدی با تحقیق-های قبلی زبان فارسی همخوانی دارند. به این ترتیب وارونگی تقابل واژه‌ها نیز یکی از یافته‌های این تحقیق است، به این معنی که خان تقابل واژه‌های دوگانه را از سمت راست به سمت چپ حرکت داده است که برعکس آن نیز صادق است. به نظر نویسندگان این مقاله وارونگی تقابل واژه‌ها ممکن بر اساس تغییرات سیاسی، اجتماعی و مذهبی صورت گرفته باشد و پیام‌اش این است که هیچ چیز ثابت و استوار نیست.

چون بر اساس مطالعات نویسندگان، تحقیقی دریافت نشد که در این عرصه انجام شده باشد؛ بنابر این، می‌توان این مقاله را تحقیقی جدید در زبان پشتو تلقی کرد. از این‌رو از مقدمه‌ای است برای تحقیق‌های بعدی.

باید گفت که بنابر ضیقی وقت و محدودیت‌های دیگر، این تحقیق به سطح دیوان خوشحال خان ختک انجام شده است و تقابل واژه‌ها را فقط در یک فرم خاص بررسی نکرده‌اند. بنابر این، نگارندگان

این مقاله به نکاتی پی برده‌اند که طی تحقیق امکان بررسی آن‌ها را نداشته‌اند و از نگاه تحقیقی مهم پنداشته می‌شوند که می‌توان آن‌ها را به صفت موضوعات تحقیق‌های بعدی قرار داد، مثلاً بررسی تقابل‌های دوگانه در غزل‌ها، قصاید و فرم‌های دیگر خوشحال خان ختک. به این ترتیب، بررسی وارونگی تقابل واژه‌های در فرم‌های مختلف دیوان خوشحال خان ختک نیازمند تحقیق جداگانه است.

۶. نتیجه گیری

با توجه به تقابل واژه‌های دوگانه و وارونگی تقابل‌ها؛ خوشحال خان ختک نسبت به شعرای دیگر تقابل‌های دوگانه را کمتر استفاده کرده است، بطور نمونه نسبت به حافظ در دیوان خوشحال خان، تقابل واژه‌ها کمتر به نظر می‌رسد.

باید گفت که وارونگی تقابل واژه‌های دوگانه با رویکرد ساختارشکنی بررسی شده است، در جریان تحقیق دیده شد که بسامد تقابل واژه‌ها کمتر بود، در برخی غزل‌ها و قصاید و دیگر فرم‌ها وارونگی تقابل واژه‌های دوگانه هم دیده شده است، که این بخش مقاله، سوال تحقیق نگارندگان بوده. بنابراین، نسبت به تقابل واژه‌های دوگانه، روی وارونگی تقابل واژه‌های دوگانه تمرکز بیشتر شده است.

از آنجاییکه ماهیت زبان این است که به مرور زمان صورت و معنای واژه‌ها تغییر کند، ولی در دیوان خوشحال خان تقابل واژه‌های مختلف دیده می‌شوند که به مرور زمان تغییر نکرده است، بلکه در یک مقطع زمانی دو ساختار تقابل واژه‌های دوگانه وجود دارد که خان گاهی از یک ساختار و گاهی از ساختار دیگر استفاده کرده است، خان در بعضی ابیات خود ساختار را بخاطر قافیه تغییر داده است، ولی در ابیات بیشتر دیوان خان ساختار را عمداً تغییر داده. تقابل واژه‌های دوگانه را از سمت راست به سمت چپ حرکت داده است که برعکس آن نیز صادق است. به نظر می‌رسد که خوشحال خان عمداً و یا به طور غیر ارادی جایگاه تقابل واژه‌ها را وارونه ساخته است و از آن هدفی داشت، حتی خان واژه‌های ساده را نیز وارونه می‌سازد؛ بطور نمونه گاهی ترکیب «لب شکر» و گاهی ترکیب «شکرلب» را استفاده کرده است، ولی در موارد دیگر وارونگی در تقابل واژه‌های دوگانه صورت گرفته است که از آن جمله بیشترین بسامد مربوط به تقابل واژه‌های «wraz/ fpa» (روز / شب) بوده، که در برخی از ابیات این تقابل واژه برعکس «fpa/wraz» (شب/روز) شده است. در فرهنگ افغانستان «روز» نسبت به «شب» برتری دارد، شاید به همین علت روز را مقدم کرده باشد. از جانب دیگر، زندانی شدن خوشحال خان ختک توسط اورنگزیب عالمگیر، نقطه‌ای عطف دانسته شده؛ پیش از زندان خوشحال خان در دربار شاه جهان، منصب خوب داشت، صاحب جاه و جلال بود و بعد از زندان، زندگی سیاسی و اجتماعی وی حالت نزولی به خود گرفت، شاید دلیل دوم برعکس کردن تقابل واژه‌ی «fpa/wraz» (شب/روز) این باشد که زندگی قبل از زندان‌اش را به روز و بعد از زندان‌اش را به شب تشبیه کرده باشد، شاید به همین دلیل در بیت‌هایش تقابل واژه‌های دوگانه‌ی «جوانی/پیری، سفید/سیاه، روز/شب، مرد/نامرد و...» بسامد بیشتر دارد. از طرف دیگر در دین مبین اسلام «شب» اصل است و در متون اسلامی جایگاه برتری

دارد^{۱۳}. در آیه‌های مختلف قرآن کریم معمولاً شب مقدم و روز متأخر^{۱۴} به نظر می‌رسد، یعنی شب در مرکز و روز در حاشیه قرار دارد، ولی خوشحال خان «روز» را در مرکز قرار داده است، اگر آثار شعری دیگر عصر خوشحال خان را ببینیم، در آن «شب» مقدم است که در فرهنگ کنونی افغان‌ها نیز «شب» مقدم است، حتی شب در فرهنگ افغان‌ها بی‌نشان^{۱۵} است. این که خوشحال خان «روز» را مقدم کرده، به نظر من چند دلیلی دارد، شاید «روز» را به معنای ضمنی آن به عصر طلایی خود و «شب» را به معنای ضمنی آن، زندان و وضعیت بد خود تشبیه کرده باشد و یا این که سبک‌اش این بوده که تقابل‌واژه‌های دوگانه را وارونه سازند.

۷. مأخذ

ابدالی، فرهاد و نجومیان، امیر علی. (۱۳۹۲). خود واسازی تقابل دوگانه حافظ/زاهد در غزلیات حافظ خوانشی دریدایی. فصلنامه‌ی تحقیق‌های ادبی، (۴۱)، ۹-۳۰.

جاوید، عبدالاحمد. (۱۳۹۰). مقالات جاوید (تحقیق‌های زبانی). چاپ چهارم، اهتمام: اخشید جاوید، کابل: انتشارات سعید.

جدران، محمد شریف. (۱۳۸۹). بررسی حالت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پشتون‌ها در آغاز قرن شانزدهم میلادی. پیشاور: انتشارات دانش.

چهری، طاهره؛ سالمیان، غلامرضا؛ یاری گلدره، سهیل. (۱۳۹۲). تحلیل تقابل‌ها و تضادهای واژگانی در شعر سنایی، تحقیق‌های ادب عرفانی، (۲۵)، ۱۴۱-۱۵۸.

حق، مریم. (۱۳۹۴). تقابل‌های دوگانه و کارکردهای معنایی آن در قصاید ناصر خسرو. تحقیق‌های ادبی و بلاغی، (۱۳)، ۷۶-۹۳.

حیاتی، زهرا. (۱۳۸۸). بررسی نشانه‌شناختی عناصر متقابل در تصویر پردازی اشعار مولانا، نقد ادبی، (۶)، ۷-۲۴.

ختک، خوشحال‌خان. (۱۳۸۴). خوشحال‌خان کلیات. ترتیب، مقایسه، تصحیح: عبدالقیوم مشوانی. پیشاور: انتشارات دانش.

ختک، خوشحال‌خان. (۱۳۹۷). دیوان خوشحال‌خان. ترتیب، مقایسه، تصحیح: حبیب‌الله رفیع. پیشاور: انتشارات دانش.

دولت محمد. (۱۳۵۵). لغت‌شناسی (مهتم، عبدالرحیم وحید). کابل: انتشارات مدیریت عمومی علوم اجتماعی.

^{۱۳} لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ
^{۱۴} إِنَّ فِي خَلْقِ الْمُمْتَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْخِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ...

صمیم، محمد آصف. (۱۳۸۶) گام پر گام له خوشحال سره. چاپ دوم، جلال آباد: مومند خپرندویه توله.

طالبیان، یحیی؛ صرفی، محمد رضا؛ شریف پور، عنایت الله؛ کاسی، فاطمه. (۱۳۸۸). تقابل‌های دوگانه در شعر احمد رضا احمدی، تحقیق‌های ادب عرفانی، (۱۲)، ۲۱-۳۴.

عبیدی نیا، محمدمیر، و دلایی میلان، علی. (۱۳۸۸). بررسی تقابل‌های دوگانه در ساختار حدیقه سنایی. تحقیق زبان و ادبیات فارسی، (۱۳)، ۲۵-۴۲.

فاضلی، فیروز و پڑهان، هادی. (۱۳۹۲). تقابل‌های معنایی در اشعار اقبال لاهوری. فصلنامه علمی تحقیقی، (۲۷)، ۱۴۷-۱۶۶.

نبی لو، علیرضا. (۱۳۹۲). بررسی تقابل‌های دوگانه در غزل‌های حافظ. زبان و ادبیات فارسی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی)، ۲۱(۷۴)، ۶۹-۹۱.

Denham, Kristin and Lobeck, Anne. "Linguistic for every one (an introduction)." United States of America: publisher: Michael Rosenberg.

Marcel Danesi. Opposition theory and the interconnectedness of language, culture, and cognition. Department of anthropology, university of Toronto-2009

Mary, Klages. Literary theory: A guide for the perplexed. New York: Continuum International publishing group, 2006.



Balkh International Journal of Social Science

ISSN – P 0000 -0000 E: 0000- 0000

Vol.1 NO.1 2025

URL: <https://bjss.ba.edu.af/index.php/bjss>

الانتقال القهري لخيار الشرط في الفقه الإسلامي و القانون الأفغاني

Involuntary Transfer of the Option of Condition in Islamic Jurisprudence and Afghan Law

1. Feroz Mansori¹ 

Ph.D, Senior Teaching Assistant, Faculty of Law and Political Science, Balkh University

2. Mohammad Ishaq Rahimi 

Ph.D, Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, Balkh University,

Received: 27/6/2025 Accepted: 31/10/2025 Published: 04/12/2025

Abstract

The option of condition (*Khiyar-e-Shart*) is a contractual right that enables a contracting party or a designated third party to confirm or rescind a contract within a specified period. While its exercise during the holder's lifetime is universally accepted, Islamic jurists differ on whether this right can be transferred involuntarily to heirs after the holder's death. This study examines this issue by analyzing the perspectives of major Islamic legal schools alongside the provisions of the Afghan Civil Code. Using a descriptive-analytical, library-based approach, the research reviews classical jurisprudential texts and statutory law to determine how the option of condition is treated across legal contexts. The findings indicate that Shafi'i and Maliki jurists generally consider the option of condition to be inheritable, whereas Hanafi jurists and Hanbali jurists (with certain qualifications) regard it as a personal right tied to the contract, thus rejecting its involuntary transfer. Consistently, the Afghan Civil Code does not recognize inheritance of this contractual option. The discussion

¹. Email: firoz.mamsoori1919@gmail.com